

هایدگر و مرگ

پل ادواردز، استفان میولهال، برنت ادکینز و ...

گردآوری و ترجمه:

مهرداد پارسا



سرشناسه: پارسا خانقاه، مهرداد، ۱۳۶۳-، گردآورنده، مترجم

عنوان و نام پدیدآور: هایدگر و مرگ: پل ادواردز، استفان میولهال، برنت ادکینز و ... / گردآوری و ترجمه: مهرداد پارسا.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات شَوند، ۱۳۹۵. ● مشخصات ظاهری: ۲۱۴ ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۸۲-۰-۶ ● وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان: Heidegger and Death: On the Possibility of Impossibility of Dasein in *Being and Time*

یادداشت: کتاب حاضر شامل مجموعه مقالاتی است درباره مفهوم مرگ در فلسفه‌ی مارتین هایدگر که از کتب مختلف گردآوری و ترجمه شده است.

یادداشت: کتابنامه ● یادداشت: نمایه ● موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۹۷۶-۱۸۸۹ م، — نظریه درباره‌ی مرگ

موضوع: هایدگر، مارتین، ۱۹۷۶-۱۸۸۹ م، — نظریه درباره‌ی هستی‌شناسی ● موضوع: Heidegger, Martin-- Views on Ontology

موضوع: Heidegger, Martin-- Views on death ● موضوع: مرگ — مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Death -- Addresses, essays, lectures ● موضوع: هستی‌شناسی — مقاله‌ها و خطابه‌ها

موضوع: Ontology -- Addresses, essays, lectures

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ پ ۳۲۷۹/۵ B ● رده‌بندی دیویی: ۱۹۳ ● شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۳۸۲۵۵۵

Heidegger and Death

Paul Edwards, Stephen Mulhall, Brent Adkins, ...

Mehrdad Parsa



آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، بالاتر از میدان ولیعصر، کوچه‌ی روشن، پلاک ۴۰، طبقه‌ی ۲، واحد ۵

کد پستی: ۱۴۱۵۸۵۳۴۴۶ | تلفن: ۵۵۶۷۶۳۱۳ - ۰۲۱

www.shavandpub.ir | shavandpublication

ناشر: شَوند

هایدگر و مرگ | پل ادواردز، استفان میولهال، ... | مهرداد پارسا

چاپ دوم: تابستان ۱۴۰۲، تهران | تیراژ: ۳۰۰ نسخه | قیمت: ۱۸۰۰۰۰ تومان

ویراست دوم

چاپ و صحافی: طهرانی

طرح روی جلد از میثم پارسا

ISBN: 978-600-96582-0-6

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۵۸۲-۰-۶

Printed in Iran

حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

۷	مقدمه‌ی مترجم
۱۱	۱. پیوست مرگ/ برنت ادکینز
۳۹	۲. طرح افکنی‌های مرگ/ برنت ادکینز
۵۹	۳. مباشر عدم/ برنت ادکینز
۸۳	۴. میرایی بشری: هایدگر، درباره‌ی چگونگی ترسیم امکان ناممکن دازاین/ استفان میولهاال ..
۱۰۷	۵. هایدگر و مرگ به مثابه‌ی «امکان»/ پل ادواردز
۱۳۱	۶. دازاین، وجود و مرگ/ کارول جی. وایت
۱۵۷	۷. مفهوم مرگ در هستی و زمان/ ویلیام دی. بلنتر
۱۸۷	پیوست: درباب شیوه‌های مردن/ گفتگو با برنت ادکینز
۲۱۱	نمایه‌ی نام‌ها

مقدمه‌ی مترجم

تنها در مرگ است که به یقین می‌توانم بگویم من هستم.

- هایدگر

هایدگر به رغم پابندی و تأکید ویژه‌اش بر مسئله‌ی هستی، در بخش مهمی از هستی‌ورمان به نقش محوری مرگ و تأثیر نفی‌کننده‌ی آن بر هستی‌دازاین می‌پردازد. محوریت مرگ در کتاب هایدگر به این دلیل است که به رغم کارکرد پایان‌بخش‌اش، امکانی را برای پرداختن به سرآغازها و خاستگاه‌ها فراهم کرده و از این رو سیر وجودی دازاین را از آغاز تا پایان ترسیم می‌کند. مرگ بنیادی است که آدمی را به بی‌بنیادی فرامی‌خواند و البته جای آن که نفی معنا باشد، جلوه‌ای است از کلیت معنا در بازیافتی هستی‌شناختی. دازاین به واسطه‌ی آگاهی از مرگ و تناهی وجودی خویش، به واسطه‌ی مرگی که نقشی تنظیمی دارد، عزم خود را جزم می‌کند تا امکان‌های خویش را در افق زمانمند تناهی‌اش سامان دهد. از این حیث، مرگ محوری است که هر امکانی از دازاین را ممکن و در عین حال ناممکن می‌سازد؛ از آن رو ممکن می‌سازد که طرح‌افکنی دازاین بر امکان‌هایش، از به‌سوی-مرگ-بودن‌اش نشأت می‌گیرد، و به این دلیل ناممکن می‌سازد که با آمدن مرگ نه دازاینی می‌ماند، نه طرحی و نه امکانی.

کتاب حاضر شامل مقالاتی است که هر یک به قصد فهم و تحلیل تلقی هایدگر از مرگ نگاشته شده‌اند و بیش از آن که شرحی ساده بر آن باشند، به نقد و ارزیابی آن می‌نشینند. در سه فصل نخست که برگرفته از کتاب مرگ و میل در هگل، هایدگر و دلوژ (۲۰۰۷) اثر برنت ادکینز، فیلسوف امریکایی است، تلاش اصلی ادکینز معطوف به ارائه‌ی قرائتی گام‌به‌گام از مفهوم مرگ در هستی‌ورمان از خلال روش

پدیدارشناختی هایدگر است که البته با خوانشی کانتی از او تجهیز شده است. گذشته از این، اهمیت رویکرد ادکینز در این است که با استفاده از مفهوم فقدان در روان‌کاوی فرویدی برداشت هایدگر از مرگ را برداشتی مبتنی بر مالیخولیا معرفی کرده و دازاین را نمونه‌ای کلاسیک از سوژه‌ی مالیخولیایی می‌داند. در فصل چهارم، میولهال به تبع هایدگر مرگ را ذیل جریان زندگی دازاین جای می‌دهد، اما تمرکز او عمدتاً بر مرگ به مثابه‌ی رخدادی است که به زندگی دازاین خاتمه می‌دهد؛ از نظر میولهال مرگ نه فعلیت یا امکان، بلکه غیاب کامل است؛ غیاب محض و کاملی که دازاین پیش از تولد و پس از مرگ به نحو سلبی آن را تجربه می‌کند. او با توجه به عدم آغازین و پیشاوجودی دازاین، بر مسئله‌ی عدم ضرورت هستی او تأکید می‌کند و هستی آدمی را نه وجودی امکانی، بلکه هستی محتملی می‌داند که از قضا به دیدگاه سارتر در باب وجود انسانی شباهت دارد؛ چیزی همچون شوری بی‌فایده.

پل ادواردز در فصل پنجم به مفهوم مرگ به مثابه‌ی امکان می‌پردازد و معانی مختلف آن را بررسی می‌کند و دست آخر امکانی بودن مرگ را نادرست و بی‌معنا می‌داند. از این منظر، مقاله‌ی ادواردز یکی از انتقادی‌ترین متونی است که تاکنون درباره‌ی هایدگر نوشته شده است و بخش عمده‌ای از تحلیل‌های او را رد می‌کند. با این همه، وایت در مقاله‌ی ششم می‌کوشد نشان دهد که مخالفت‌ها و نقدهای ادواردز حاصل نوعی بدفهمی در مورد معنای امکان و نادیده گرفتن تمایز هایدگر میان معانی مختلف مردن است، و بدین قرار بحث مرگ را در سطحی دیگر باز می‌کند. به اعتقاد او، برای پرهیز از این کژفهمی باید میان مرگ یک شخص و مرگ اگزستانسیال دازاین تمایز بگذاریم. هایدگر نمی‌خواهد از مرگ شخص معنایی فردی به دست آورد، بلکه قصدش تأکید بر مرگ دازاین است و در واقع با پیش کشیدن مرگ دازاین مقدمات ورود به پرسش بنیادین عدم را فراهم می‌سازد. تلاش برای تصحیح دیدگاه ادواردز از سوی وایت، در فصل بعدی کتاب به قلم بلتر نیز ادامه می‌یابد و تکمیل می‌شود. محور بحث بلتر حول این ایده‌ی ناسازه‌وار می‌چرخد که چگونه می‌توان مرگ را یکی از شیوه‌های هستی دازاین یا یکی از شیوه‌های دازاین بودن تلقی کرد، و البته آن شیوه‌ای که بر اساس آن دازاین دیگر قادر به بودن و زیستن نیست و بنابراین امکان تجربه‌ی هیچ شکلی از هستی و امکان را ندارد.

بیان سلیس و نقدهای عمدتاً روشن نویسندگان جستارهای حاضر ما را از ذکر مقدمات و توضیحات بیشتر درباره‌ی آن‌ها بی‌نیاز می‌کند. با این همه، در بخش پیوست کتاب گفتگویی گنجانده شده که در قالب ملاحظات پایانی، برداشت هایدگر از مرگ را در نسبت با رویکرد هگلی و دلوزی بررسی کرده و به معنایی، کلیتی از قدرت‌ها و محدودیت‌های رویکرد وی را ترسیم می‌کند. از برنت ادکینز به خاطر این گفتگو که در ژانویه ۲۰۱۶ انجام گرفت سپاسگزارم. و همین‌طور ممنونم از محمد جواد سیدی که برگردان فصلی از کتاب را بر عهده گرفت و مقاله‌ی ویلیام بلنتر را به فارسی ترجمه کرد. در نهایت، گرچه از هایدگر آثار و متون قابل تأمل بسیاری منتشر شده، اما از آن‌جا که مرگ در قلب هستی و زمان جای دارد، تجمیع مقالات حاضر که مشخصاً به مفهوم مرگ می‌پردازند، به ما امکان می‌دهد هایدگر و خودمان را این بار از خلال مفهومی بنیادین در فلسفه و هستی‌انسانی فهم کنیم.

مهرداد پارسا

پائیز ۹۵